

سوسک‌ها

و

فرشته‌ها

نویسنده: مای آسکدام

مترجم: علی حجتی قمی

ویراستار: لیندا سلطانی



نشر دانه

سرشناسه: مایو اسکدام Mawi Asgedom

عنوان و نام پدیدآور: سوسک‌ها و فرشته‌ها/نویسنده مایو اسکدام؛ ترجمه علی حجتی قمی؛ ویراستار لیدا سلطانی. مشخصات نشر: تهران: دانژه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۵۸ص: مصور، نقشه: ۲۱×۵/۱۴/۸سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۳۹-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان اصلی: Of beetles & angels : a boy's remarkable journey from a refugee camp to Harvard, 2002. یادداشت

موضوع: مایو اسکدام -- کودکی و جوانی

Mawi Asgedom -- Childhood and youth -- Juvenile literature موضوع:

موضوع: آمریکاییان اتیوپیایی تبار -- سرگذشت‌نامه

Ethiopian Americans -- Biography-- Juvenile literature موضوع:

موضوع: مهاجران -- ایالات متحده -- سرگذشت‌نامه

Immigrants-- United States-- Biography -- Juvenile literature موضوع:

موضوع: پناهندگان -- سودان -- سرگذشت‌نامه

Refugees -- Sudan -- Biography -- Juvenile literature موضوع:

موضوع: کودکان پناهنده -- سودان -- سرگذشت‌نامه

Refugee children -- Sudan -- Biography -- Juvenile literature موضوع:

موضوع: مهاجران -- ایالات متحده

Immigrants-- United States موضوع:

شناسه ا: ده: حجتی قمی، علی، ۱۳۳۹ - مترجم

ه: بندی کنگره: E1۸۴

ه: بند دیویی: ۹۷۳/۰۴۹۲۸۰۰۹۲

شماره: ۶۱۷۳۸۸۴ سی.مل: ۱۳۳۹

عنوان: سوسک‌ها و فرشته‌ها

نویسنده: مایو اسکدام

ترجمه‌ی: علی حجتی قمی

صفحه آرا: ملیحه طریقی جعفری

ویراستار: لیدا سلطانی

مدیر تولید: داریوش سازمند

ناشر: دانژه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاووش، شریف

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

قطع: رقعی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۰-۲۳۹-۱

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا بخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیر آتابک) - کوچه اسلامی - شماره ۴/۲

کد پستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۳۱ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸ - ۸۸۸۱۲۰۸۳ تلفکس: ۸۸۸۴۲۵۴۳

تلفن دفتر پخش: ۶۶۴۷۶۳۷۵ - ۶۶۴۶۲۰۶۱ فکس: ۶۶۴۷۶۳۸۹

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	یادداشت نویسنده
۱۷	خاطرات
۲۱	اردوگه
۲۹	پیش به سوی مریکا
۳۳	زندگی نو
۳۹	فرشتگان خدا
۴۳	میدان نبرد
۵۵	روزهای شیطنت و بازیگوشی
۶۹	بلوغ عقل
۷۹	دورهمی
۸۹	مرد خودساخته
۹۹	واریختن سالار
۱۱۱	فتح قله
۱۲۱	باباهیلب
۱۳۳	اگر خدا بخواهد
۱۳۷	سخن آخر
۱۴۱	پیوست پایانی

مقدمه

هرگز روی را که هم اتاقیم زنگ زد و گفت: «دزد خانه‌مان را غارت کرده» فراموش نمی‌کنم. رفاصله به سمت خانه راه افتادم و همان‌طور که سراسیمه می‌رفتم، با خود گمان می‌کردم: «چه چیزهایی شاید دزدیده شده باشند!» تمام نگرانیم معطوف به چنان بود که ارزش وجودیش با هیچ کدام از وسایل موجود در خانه، حتی تلویزیون و لباس‌ها، قابل قایسه نبود. لذا به محض رسیدن، بی‌درنگ از کنار پلیس رد شده و خودم را به تنهایی آگاهان رساندم.

«نه! امکان نداره!» کلیدم آن‌جا نبود. من را همیشه توی کمد در انتهای اتاق می‌گذاشتم بدبختانه حالا آن‌جا نبود! دزد کامپیوترم را هم برده بود! کامپیوتری که تنها کپی از کتابم در آن بود. کتابی که شش ماه زحمت آن کار کرده بودم و فقط ده صفحه‌اش باقی مانده بود.

برای من که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بودم و اول درسط نداشتیم، خریدن کامپیوتر جدید محال بود و حتی اگر پول خریدش را داشتیم، چه‌طور می‌توانستیم کتاب را از نو بنویسیم؛ درحالی‌که نگارش اول آن سالی تمام گرفته بود.

من به شما توصیه می‌کنم به دو دلیل این کتاب را بخوانید. اول آنکه چند نفر از دوستانم به‌طور مخفیانه هفتصد دلار جمع کردند و برایم یک کامپیوتر نو خریدند و خواستند که کتابم را دوباره بنویسم. دوم آن که تشویق و حمایت آن‌ها باعث

شد انگیزه‌ای دوباره برای نگارش این کتاب پیدا کنم.

زمانی که دانشجوی سال دوم هاروارد بودم، گفته‌ی یکی از استادانم به شدت مرا تحت تأثیر قرار داد. او گفت: «تاریخ تنها درباره‌ی آن‌هایی نوشته می‌شود که شخصیت‌های مهمی هستند.»

بعداً می‌پنداشتم که چرا باید وقتم را برای نوشتن و خواندن مطالبی که اهمیت ندارند تلف کنم؛ اما بعداً به یاد پدر، مادر و آشنایانم که از پناهندگان اریترایی بودند، افتادم. به آن‌هایی که از قتل عام دیکتاتورهای جان‌سازم به سربرده بودند، بیابان‌های برهوت را زیر پا گذاشته و شهادتی مثال زدنی از خود نشان داد، بودند. تا آن زمان هیچ کتابی درباره آنان و اصولاً هیچ پناهنده‌ی آفریقایی دیگری نوشته نشده بود. آیا واقعاً داستان زندگی آن‌ها قابل اعتنا و روایت نبود؟

من این کتاب را بنا به دلائل متعددی نوشتم:

اولاً برای برانگیختن مطالعه‌ی گسترده‌ی این کتاب، ثانیاً به احترام اعضای خانواده‌ی عزیزم که همواره منبع الهامم بودند، از همه مهم‌تر برای آن نوشتم که گفته باشم: «ما هستیم! پناهندگان آفریقایی وجود دارند! آن‌ها نه تنها حیات دارند، بلکه سرگذشت آن‌ها سزاوار شنیدن است.»

بله! این کتاب را نه تنها برای خودم نوشتم، بلکه برای ما سون‌ها پناهنده‌ی آفریقایی که هرگز نتوانسته‌اند سرگذشت خود را برای دیگران بازگو کنند. در ابتدا نمی‌دانستم روزی فرا خواهد رسید که هزاران معلم، این کتاب را رایگان مطالعه در کلاس‌های خود انتخاب کنند و دانش‌آموزان آن را خواهند خواند. هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم بعد از انتشار کتابم توسط موسسه‌ی لیتل براون، کتاب‌هایی از این نوع که سرگذشت پناهجویان آفریقایی را بازگو کنند، منتشر شود.

من از شما و همه‌ی کسانی که این کتاب را می‌خوانند تشکر می‌کنم و این

قدردانی از آن روی است که با مطالعه‌ی این کتاب نشان می‌دهید داستان زندگی من و خانواده‌ام و همه‌ی پناهندگان در سرتاسر دنیا قابل خواندن است. شما ثابت کردید که این فقط زندگی شخصیت‌های مشهور و در دسترس نیست که دیده می‌شود، بلکه زندگی همه فرزندان خانواده‌ی بشریت نیز مورد توجه قرار گرفته و دیده می‌شود.

بازخندهای شما، علاوه بر آنکه کتاب «سوسک‌ها و فرشته‌ها را مطرح و ارزشمند ساخت، موجب شد کینه‌ی دزد خانه‌ام را از صفحه دلم پاک کرده و او را ببخشم.

درخاتمه به نکاتی قابل ذکر این است که کتابی با موضوع چالش‌های اشغال‌گری نیاز به نرم‌نوازی و لطافت در نگارش دارد.

ژوئن ۲۰۱۶ سلماوی (ماوی) آسگدام^۱